یادداشت روز

شناسایی و شکار از نفس افتاده‌ها

۱- مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا دو روز پیش به شکل سربسته گفت «چالش‌های زیادی پیش روی ما قرار دارد؛ از جمله انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران... هدفم از سفر به تهران یافتن زمینه‌های مشترک همکاری برای حل بحران سوریه بود». ۱۰ روز پیش از این سخنان، ریچارد هاویت (تهیه‌کننده سند راهبردی اتحادیه اروپا درباره روابط با ایران) گفت: «توافق هسته‌ای، یک نقطه عطف بود؛ هرچند که همه مشکلات ما با ایران درباره اسرائیل، دموکراسی و حقوق بشر حل نشده است... ما باید دفتر نمایندگی اتحادیه اروپا را در تهران افتتاح کنیم و گفت‌وگو درباره حقوق بشر در ایران را از سر بگیریم. پیشرفت واقعی در زمینه حقوق بشر امکان‌پذیر است. نیروهایی در داخل ایران، درحال اعمال فشار بر حاکمیت هستند و ما امیدواریم گزارش ما نیز باعث پیشرفت در این زمینه شود... اکنون اروپا در ایران نفوذ دارد ولی آمریکا از این نفوذ برخوردار نیست. ما می‌خواهیم از این اهرم استفاده کنیم و به جنگ در سوریه و یمن پایان دهیم و به سوی ساختار جدید امنیتی در خاورمیانه حرکت کنیم». آیا ایران جنگ سوریه یا یمن را شروع کرده است؟ اگر صادقند چرا به عربستان و ترکیه و قطر فشار نمی‌آورند برای پایان جنگ در یمن و سوریه؟!

۲- محافل اروپایی و آمریکایی مدتی است این پالس را به شکل غیرمستقیم به افکار عمومی و نخبگان در ایران می‌فرستند- و احتمالاً در ماه‌های آینده صریح‌تر خواهد شد- که اگر می‌خواهید تحریم‌ها لغو و گشایش اقتصادی ایجاد شود، فلانی را ابقا کنید. همین چند روز پیش بود که خبرگزاری انگلیسی رویتر در گزارشی القایی نوشت «چنانچه پیروزی هیلاری کلینتون با ابقای روحانی همراه شود، می‌تواند به مشارکت شرکت‌های اروپایی در بازار ایران منتهی و پنجره بزرگ فرصت‌ها گشوده شود. اکنون چند ماه پس از برجام، اشتیاق‌ها، جای خود را به ناامیدی داده است اما انتظار می‌رود قراردادهایی تا پایان مارس ۲۰۱۷ (فروردین ۹۷) منعقد شود». سؤال: مگر کلینتون، نامزدی جدا از حزب حاکم بر دولت آمریکاست؟ دشمنی وی با ایران حتماً از اوباما بیشتر است. بنابراین چگونه می‌توان تصور کرد که پیروزی وی، منجر به تغییر رویه خصمانه آمریکا علیه ایران شود؟ اگر اروپایی‌ها واقعاً نگران سرنوشت انتخابات ۷ ماه آینده در ایران هستند و نگاهی از سر احترام متقابل برای فلان نامزد دارند، چرا بر سر تعهدات برجام نماندند و گریبان آمریکا را به خاطر بدعهدی نگرفتند تا تحریم‌ها لغو شود و مردم ایران آثار برجام را ببینند و در انتخابات، به نحو دیگری انتخاب نکنند که موجب نگرانی مقامات اروپایی نشود؟! اروپایی‌ها وقتی در ماجرای سوریه کنار تروریست‌ها، در موضوع فلسطین کنار اشغالگران، و در ماجرای برجام، کنار طرف عهدشکن آمریکایی می‌ایستند، چگونه توقع دارند افکار عمومی ایران آنها را دوست- و نه بدخواه خود- تلقی کنند؟! وقتی وزیر خارجه آلمان به ایران می‌آید و احترام می‌شود اما پس از سفر به ریاض، خلیج‌فارس را خلیج عربی می‌خواند یا حل مشکلات با ایران را مستلزم به رسمیت شناختن رژیم اشغالگر و جنایتکار اسرائیل می‌داند، مردم ایران چگونه باور کنند که غربی‌ها دوست آنها هستند، نه دشمن‌شان؟!

۳- تهیه‌کننده سند راهبردی اروپا درباره روابط با ایران، علناً می‌گوید درحالی که درِ ایران به روی آمریکا بسته است، اروپا از نفوذ خود برای موضوع سوریه استفاده می‌کند. که چه بشود؟! جنگ تمام شود؟! این جنگ نیابتی که دستپخت هدایت آمریکا و برخی کشورهای اروپایی است. اگر آمریکا و اروپا توانستند- که نمی‌توانند- از نفوذ ایران در منطقه و از جمله سوریه سود بجویند، آنگاه چه می‌کنند؛ قدرشناسی یا شلتاق؟! مگر به اذعان آقای هاشمی، از نفوذ ایران در لبنان برای رهایی گروگان‌هایشان سود نجستند و سپس وعده‌های اقتصادی خود را زیر پا ننهادند و ایران را متهم به تروریسم نکردند؟ آیا آمریکا به تعهداتش در قرارداد الجزایر عمل کرد یا همه را زیرپا گذاشت؟ در ماجرای اشغال افغانستان چطور؟ مذاکرات دولت اصلاحات با آمریکایی‌ها و مساعدت به آنها در افغانستان به کجا انجامید؛ احترام به ایران یا قرار دادن آن در فهرست ۳ کشور عضو محور شرارت؟! آمریکایی‌ها پس از اشغال عراق نیز بارها دعوت به مذاکره نمودند و از ایران برای مدیریت بحرانی که در اداره آن عاجز مانده بودند، استمداد کردند. اما آیا در سرانجام کار ما را متهم به حمایت از تروریسم نکردند و بر شدت تحریم‌ها و دشمنی‌ها نیافزودند؟ آیا همین اروپایی‌ها نبودند که در دوره تنش‌زدایی دولت هاشمی- گفت‌وگوهای توهین‌آمیز «انتقادی» - علیه مقامات همان دولت از جمله شخص آقای هاشمی حکم جلب صادر کردند؟ و... بالاخره در بد عهدی مطلق آمریکایی‌ها در برجام، اروپا کدام طرف ایستاده است؟ به آمریکا فشار می‌آورد و یا مشغول فریبکاری نسبت به دولت و ملت ایران است؛ مبنی بر اینکه چند امتیاز دیگر بدهید و وعده سرخرمن بگیرید؟!

۴- چرا غرب - از آمریکا تا اروپا- یک طیف سیاسی را در ایران نشان کرده و نسبت به سرنوشت آن نگران است؟ آیا صرفا به سودای بازتولید قراردادهای پرخسارت عهد قجری و پهلوی است؟ یا از آن جهت که بتواند خط حائل نسبتا امنی را در عمق ایران پدید آورد و مانند دوره اصلاحات، بستری برای تحرکات اطلاعاتی ضد امنیتی و شبکه‌سازی لازم برای کودتای مخملی فراهم کند؟ یا دلیل این نشان‌شدگی، فروپاشی روحی و شخصیتی طیف مذکور تا بدان حد است که بتوان به واسطه آنها از ایران «انقلاب‌زدایی» کرد و به بی‌محتوا کردن جمهوری اسلامی از سیرت و محتوا پرداخت؟ و یا اینکه با فائق آمدن بر مقاومت در جنگ سوریه - به تعبیر ریچارد هاویت- بتوانند ساختار امنیتی جدیدی برای سراسر خاورمیانه ترسیم کنند؟ (فراموش نکنیم ارنست مونیز وزیر انرژی آمریکا صراحتا اعلام کرد «توافق هسته‌ای با ایران، بخشی از پروژه امنیتی آمریکا برای خاورمیانه است.»). با بررسی جمیع این پرسش‌ها، به یک پرسش راهبردی‌تر می‌رسیم و آن اینکه طیف نشان شده آمریکا و اروپا، معطوف به مصالح کشور رفتار می‌کنند یا اولویت‌های غرب را بر اولویت‌های ملی رجحان می‌دهند و در ابتدای مسیری قرار گرفته‌اند که سیاست و مدیریت قجری - پهلوی، پایان منحط آن بود؟ آیا عجیب نیست که آمریکایی‌ها، طالبان و داعش را تولید می‌کنند و اوباما تیرماه ۹۳ ادعا می‌کند «ظهور داعش، محصول سیاست سرکوب و فرقه‌گرایی دولت عراق است» و چند روز بعد، فلان سیاستمدار ایرانی همین ادعا را عینا تکرار می‌کند؟ عجیب‌تر اینکه یک سال و نیم بعد، یک دولتمرد همان دعاوی را تقلید و بازگو می‌کند. گویا یک آدم صاحب خرد نیز در این طیف نیست تا بگوید آقای فلان و جناب بهمان! داعش بیش از شیعیان، علیه سنی‌هایی که ظاهرا سنگ آنها را به سینه می‌زدند، وحشی‌گری و جنایت کرد.

۵- وارونه ایستادن و وارونه دیدن و بد عملی، انسان را به بدگویی علیه زمین و زمان می‌کشاند. از دوره سازندگی و اصلاحات تا به امروز، چه قدر از سیاستمداران وارفته گله و شکایت شنیدیم. کسی که مار فسرده و یخ‌زده را کمک می‌کند تا گرم شود و جان بگیرد، آیا انتظار تکریم و پاداش می‌تواند داشته باشد؟ دست کشیدن از روحیه انقلابی و کاسه التماس از دشمن به دست گرفتن، سرانجامی جز احساس ضعف و ذلت و سرخوردگی و التماس از موضع پایین‌تر ندارد. به تعبیر رهبر معظم انقلاب «سازش با آمریکا، نسخه وابسته‌ها و از نفس افتاده‌ها و دنیاطلب‌هاست.»

ایشان در دیدار اخیر با دانشجویان فرمودند «آنچه من بر روی آن تکیه می‌کنم، روحیه انقلابی‌گری است. این روحیه را باید حفظ کنید. معنای روحیه انقلابی چیست؟ معنایش این است که یک انسان انقلابی، شجاعت دارد، اهل اقدام است، اهل عمل است، ابتکار می‌ورزد، بن‌بست شکنی می‌کند، گره‌گشایی می‌کند، از چیزی نمی‌ترسد، به آینده امیدوار است؛ انقلابیگری یعنی این؛ این روحیه را باید حفظ کرد. بعضی‌ها عکس این عمل می‌کنند، بعضی‌ها عکس این حرف می‌زنند. بعضی‌ها عکس این مدیریت می‌کنند؛ جوان را به آینده بی‌اعتماد می‌کنند، به انقلاب بی‌اعتماد می‌کنند، جوان را از نفس گرم امام دور می‌کنند؛ خب این خراب می‌شود دیگر؛ آن وقت از زمانه هم می‌نالند! زمانه را چه کسی می‌سازد؟ به قول صائب: جرم زمانه ساز، فزون از زمانه است؛ زمانه را چه کسی می‌سازد؟ زمانه را من و شما می‌سازیم؛ ما زمانه‌سازیم. اگر زمانه بد باشد، به من و شما باید نگاه کرد؛ ما هستیم که زمانه را می‌سازیم. ما وقتی که گام‌هایمان را محکم برنداشتیم، ما وقتی که توصیه امام را ندیده گرفتیم... وقتی مردم و جوان‌ها را از اینها دور می‌کنیم، جوان را به لاابالی‌گری سوق می‌دهیم، جوانی را که تمایل به عفت دارد، به سمت بی‌مبالاتی نسبت به مسائل عفتی و مانند اینها سوق می‌دهیم. خب معلوم می‌شود نتیجه بد خواهد شد، زمانه خراب خواهد شد... [اگر] به اسم آزادی، لاابالی‌گری را تزریق کنیم، به اسم عقل و نگاه عقلایی، سازش و تسلیم در مقابل دشمن را القا کنیم، خب زمانه خراب می‌شود دیگر؛ این راه را بایست با استحکام ادامه داد... خدا که به کسی ظلم نمی‌کند؛ خودمان هستیم که آلوده دنیا می‌شویم، آلوده محبت‌های بی‌جا می‌شویم، آلوده جاه‌طلبی می‌شویم، آلوده رفیق‌بازی می‌شویم، آلوده جناح‌بازی و حزب‌بازی می‌شویم، دلمان واژگونه می‌شود و از آن راه درست، از آن استقامت اولی برمی‌گردیم. و تضل رجال بعد سلامه؛ یک روزی سالم بودند، بعد گمراه می‌شوند. آفت اینها است؛ جلوی اینها را بایستی گرفت و از اینها باید به خدا پناه برد.»

۶- خداوند در سوره «محمد»(ص) با زبان نهی می‌فرماید «فلا تَهِنوا و تَدعوا الی السَّلمِ و انتم الاَعلَون... هرگز سست نشوید و (دشمن) را به سازش دعوت نکنید در حالی که شما برترید و خداوند با شماست و چیزی از اعمال شما را کم نمی‌کند.» در همان سوره، راز بازگشت از مسیر حق بازگو شده است. «کسانی که بعد از روشن شدن هدایت برای آنان، پشت به حق کردند (ارتدّوا)، شیطان اعمال زشت‌شان را در نظرشان زینت داده و آنها را به آرزوهای طولانی فریفته است. این بدان خاطر است که آنها به کسانی که از نزول وحی الهی کراهت داشتند (کافران) گفتند ما در بعضی از امور از شما پیروی می‌کنیم، در حالی که خداوند پنهانکاری آنان را می‌داند... و ما همه شما را قطعا مبتلا می‌کنیم و می‌آزماییم تا معلوم شود مجاهدان واقعی و صابران از میان شما چه کسانی هستند». آنها که نسخه سازش و کرنش و انفعال نسبت به غرب را می‌پیچند، در منطق قرآن دچار سقوط شده‌اند؛ چه آنها که با دشمن از ابتدا بسته و وابسته بودند و چه دیگرانی که به مدار دنیاطلبی غلتیدند و همین بیماری، نفس و روحیه استقامت و اراده و حرکت را از آنها گرفت. چنین رجالی ابزار دشمن در مسیر تهدید و تحریم و تحمیل و تحمیق و تحریف هستند و جز ذلیل شدن و ذلیل کردن، راه به مقصد دیگری نمی‌برند.

محمد ایمانی

گزارش خبری- تحلیلی کیهان

دولت اگر پول نداشت حقوق بدهد جیب نجومی‌ها چگونه پر شد؟!

سرویس سیاسی -

براساس اظهارات برخی نمایندگان عضو فراکسیون مستقلان ولایی رئیس‌جمهور در جلسه‌ای با اعضای این فراکسیون گفته است دولت در ماه‌های پایانی سال ۹۴ پولی برای پرداخت حقوق‌ها نداشته است، این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که در بازه زمانی مورد ادعا حداقل ۴۰۰ مدیر دولتی حقوق‌های نجومی دریافت کرده‌اند، حقوق‌هایی که صحت ادعای منتسب به رئیس‌جمهور را زیر سؤال می‌برد.

غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی نماینده مردم رشت طی گفت‌وگویی که با استقبال روزنامه‌های زنجیره‌ای مواجه شد با اشاره به جلسه روز یکشنبه اعضای فراکسیون مستقلان ولایی مجلس با رئیس‌جمهور اظهار داشت: رئیس‌جمهور گفت که ما سعی داریم تا سه کار را انجام دهیم. اولویت اول ما حقوق است. دوم یارانه و سوم سود اوراق بانکی.

نایب رئیس‌فراکسیون مستقلان ولایی مجلس ادامه داد: روحانی خاطرنشان کرد سال گذشته سال بسیار سختی بود و ما در ماه‌های بهمن و اسفند حقوق نداشتیم و ناچار شدیم نفت خود را پیش‌فروش کنیم و به همین خاطر در سه ماهه نخست امسال پول نفت نداشتیم. وی افزود: رئیس‌جمهور پیشنهاد کرد که کمیته مشترکی بین مجلس و دولت تشکیل شود و مسائل در این کمیته مورد بحث و بررسی قرار گیرد. این سخنان با استقبال گسترده روزنامه‌های زنجیره‌ای مواجه شد ، آفتاب یزد به نقل از روحانی در این جلسه تیتر زد: اواخر سال گذشته پول نداشتیم حقوق بدهیم.

روزنامه‌های زنجیره‌ای دیگر مانند اعتماد و شرق نیز به نقل از روحانی به مشکلات شدید اقتصادی کشور ناشی از به فروش نرفتن نفت و یا کاهش قیمت آن در سال گذشته پرداختند.

آن چه در این میان عجیب و قابل تامل به نظر می‌رسد ادعای مطرح شده به نقل از رئیس‌جمهور است که در آن روحانی گفته است «دولت ماه‌های بهمن و اسفند سال گذشته پولی برای پرداخت حقوق‌ها نداشته است!»

خرداد ماه سال جاری رسانه‌ها مجموعه فیش‌هایی را منتشر کردند که در بازه زمانی مورد ادعا برخی مدیران دولتی حقوق‌های نجومی دریافت کرده بودند و آن فیش‌ها و این سخنان متناقض به نظر می‌رسند.

مردم می‌پرسند اگر دولت پولی برای پرداخت حقوق به کارگران و کارمندان ساده خود نداشته است حقوق‌هایی که به زحمت می‌شد و می‌شود با آنها زندگی کرد چگونه و از کدام خزانه‌ای حقوق‌های ده‌ها میلیونی و بعضا بالای صد میلیون به برخی مدیران پرداخت می‌شده است.

سؤال دیگری که بی‌جواب مانده است این که دولت یازدهم به دلیل مشکلات ادعایی اقتصادی و بودجه‌ای از دادن وام‌های خرد و ناچیز ازدواج و ...ابا می‌کند و حال چگونه برخی مدیران وام‌های میلیاردی و صدها میلیونی با نرخ سود اندک می‌گیرند و این خزانه خالی نمی‌شود و یا به آن خللی وارد نمی‌گردد؟!

خزانه خالی و حقوق ۲۳۴ میلیون تومانی؟!

ادعای خالی بودن خزانه در ماه‌های پایانی سال ۹۴ در حالی مطرح می‌شود که براساس گزارش رسانه‌ها در خرداد ماه سال جاری برخی مدیران در این بازه زمانی حقوق‌های ده‌ها میلیونی دریافت کرده‌اند.

۱۹ خرداد سال جاری کیهان در گزارشی به حقوق بالای یکی از مدیران بانکی پرداخته و نوشت: یک مدیر بانکی در مهر و اسفند سال گذشته به ترتیب بیش از ۱۵۱ و ۲۳۴ میلیون تومان دریافتی داشته است!

در ادامه این گزارش بر اساس اسناد موجود آمده بود: حقوق ۲۳۴ میلیونی تنها دریافتی اسفند ماه این مدیر بانکی... نیست. طبق سند رسیده به کیهان ۱۲ اسفند ماه مبلغی بیش از نیم میلیارد تومان به حساب یک شخص خارج از سیستم بانک واریز می‌شود و این فرد ۳ روز بعد یعنی ۱۵ اسفند ماه مبالغی را به حساب ۳ مدیر ارشد بانک مذکور از جمله مدیرعامل واریز و تقسیم می‌کند!

یک روز پس از این افشاگری کیهان در گزارشی دیگر نوشت: در حالی که بورس از ابتدای روی کار آمدن دولت یازدهم، در بدترین وضعیت تاریخی خود به سر می‌برد و نزدیک به ۲۰۰هزار میلیارد تومان از سرمایه سهامداران بورس نابود شده و این ویترین به خوبی گویای وضعیت اقتصاد کشور در ابعاد بزرگتر است، اسناد آشکار نشان از آن داردکه مدیران شرکت فرابورس بابت خدمات خود در سال گذشته بیش از ۱۸۵ میلیون تومان و مدیران شرکت بورس انرژی ۱۶۸ میلیون تومان پاداش دریافت کرده‌اند. در این روزها مشرق نیز در گزارشی به پاداش‌های نجومی و غیرقابل تصور برخی مدیران دیگر بانکی پرداخت و نوشت: بانک صادرات که ظاهرا خصوصی شده اما همچنان تحت کنترل دولت است، سال گذشته حق حضور اعضای غیرموظف هیئت مدیره را ۲ میلیون تومان بابت برگزاری ۴ جلسه در ماه و پاداش هیئت مدیره را ۴۰۰ میلیون تومان تعیین کرد.

بانک ملت نیز که وضعیتی همچون بانک صادرات دارد سال گذشته پاداش هیئت مدیره را ۵۵۰ میلیون تومان اعلام کرد. حق حضور اعضای غیرموظف هیئت مدیره بانک تجارت نامعلوم است، اما پاداش هیئت مدیره ۳۰۰ میلیون تومان بوده است.

براساس این گزارش «همچنین در بانک سینا، حق حضور اعضای غیرموظف هیئت مدیره معادل یک میلیون تومان و پاداش هیئت مدیره ۲۵۰ میلیون تومان اعلام شد. حق حضور اعضای غیرموظف هیئت مدیره در بانک خاورمیانه هم یک میلیون تومان بابت برگزاری ۲ جلسه در ماه و پاداش هیئت مدیره ۹۶۰ میلیون تومان تعیین شد.»

بقیه در صفحه ۱۰

سخنگوی وزارت خارجه مطرح کرد

مقصر عدم انجام تعهدات برجام آمریکاست

سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان با اشاره به موضوع برجام گفت: ما به تلاش خود ادامه می‌دهیم که طرف غربی به تعهدات عمل کند. هنوز برخی مشکلات باقی مانده و البته دریچه‌هایی نیز در برخی حوزه‌ها گشوده شده و ما مقصر این عدم انجام دقیق تعهدات را آمریکا می‌دانیم.

بهرام قاسمی سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان در نشست خبری با حضور اصحاب رسانه در محل وزارت امور خارجه با اشاره به موضوع برجام گفت: ما به تلاش خود ادامه می‌دهیم که طرف غربی به تعهدات عمل کند. هنوز برخی مشکلات باقی مانده و البته دریچه‌هایی نیز در برخی حوزه‌ها گشوده شده و ما مقصر این عدم انجام دقیق تعهدات را آمریکا می‌دانیم و می‌خواهیم به جای صحبت و حرف زدن زیاد، کمک کنند تا بانک‌های اروپایی بدون ترس همکاری خود را با ایران انجام دهند.

قاسمی در پاسخ به پرسش خبرنگاری مبنی بر دستورالعمل جدید وزارت خزانه‌داری آمریکا و موضوع مبادلات دلاری نیز گفت: این قبیل دستورالعمل‌ها یکی از اهرم‌هایی است که آمریکا برای فشار از آن استفاده می‌کرد تا کشورهای دیگر نتوانند کار خود با ایران را به پیش ببرند اما این موضوع، چیز مهمی نیست و باید صبر کرد و بیشتر برای اجرای حسن‌نیت در عمل تلاش کرد.

سخنگوی وزارت امور خارجه افزود: این قبیل اقدامات از سوی آمریکا به بلندتر شدن دیوار بی‌اعتمادی بین ایران و آمریکا منتهی می‌شود و دولت آمریکا باید در این زمینه پاسخگو باشد.

قاسمی در پاسخ به سؤالی در مورد برداشت غیرقانونی دومیلیارد دلار اموال ایران از سوی دولت آمریکا نیز گفت: اتفاق جدیدی نیفتاده و کار در مسیر خود پیش می‌رود و امیدواریم به نتایج دلخواه برسیم.

دریافت پول‌های هنگفت از مسافرین مراسم اربعین حسینی

وی در پاسخ به سؤال دیگری در مورد دریافت ویزاها و مشکلات مربوط به سفر اتباع ایرانی به دیگر کشورها به ویژه کشور عراق به منظور حضور در مراسم اربعین حسینی گفت: متأسفانه شاهد هستیم با توجه به تقاضای شهروندان برای سفرهای مختلف، مدتی است مشاهده می‌شود یک شبکه پیچیده در کنار سفارتخانه‌ها با ورود به فرایند اخذ ویزا، فعالیت می‌کنند و پول‌های هنگفتی نیز از متقاضیان مطالبه و ایرانیان را دچار مشکل می‌کنند.

سخنگوی وزارت امور خارجه تصریح کرد: حدود دو ماه پیش در بیانیه‌ای، این مهم را مطرح و اطلاع‌رسانی کردیم که متوجه این کلاهبرداری‌ها باشند. متأسفانه این داستان هنوز ادامه دارد و من از سفارت‌ها می‌خواهم متوجه آثار و تبعات این وضعیت باشند. نهایتاً ما دستورات لازم را به مراجع قضایی و امنیتی دادیم و اگر این روند ادامه پیدا کند، ورود خواهیم کرد و برخورد قانونی خواهد شد.

قاسمی خاطرنشان کرد: در حال حاضر، کمیته‌ای در وزارت خارجه، مسئول پیگیری این موضوع است.

امنیت زوار ایرانی در مراسم اربعین

وی در مورد موضوع امنیت زوار ایرانی در مراسم اربعین خاطرنشان کرد: با توجه به اهمیت موضوع و علاقه‌مندی مردم ما به این مراسم، از مدت‌ها پیش، یک ستاد جدید و متشکل از همه ارگان‌های ذی‌ربط تشکیل شد و تمام زوایای موضوع در کمیته‌های مختلف مورد بحث قرار گرفت و وزارت خارجه هم در این ستاد، حضور جدی داشت و خود من در برخی جلسات شرکت کردم و در جریان تصمیمات بودم.

افتتاح دفتر اتحادیه اروپا

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به سؤالی در مورد روابط ایران و اتحادیه اروپا گفت: قطعنامه پارلمان اروپا جدید و کم‌نظیر بود. به طور مفصل موضوعات را مطرح کرده و دارای نقاط مثبت و منفی بود.

به گزارش باشگاه خبرنگاران، قاسمی افزود: موضوع دفتر اتحادیه موضوعی است که مطرح شده و در حال بررسی است اما با توجه به بوروکراسی حاکم بر اتحادیه، تصور اینکه در کوتاه‌مدت افتتاح شود بعید است. گفتنی است در قطعنامه موسوم به «نقشه راه عادی‌سازی روابط اتحادیه اروپا با ایران پس از برجام» از اعمال مجازات اعدام در ایران ابراز نگرانی شده و از ما خواسته شده تا به تعهدات خود بر پایه میثاق‌های جهانی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان احترام بگذاریم!

بخش مهمی از این قطعنامه مربوط به حقوق بشر در ایران است که آمرانه دستور داده است ایران باید آن نکات را در سیاست‌گذاری خود اصلاح و رعایت کند.

کیهان در روزهای آینده در گزارشی به تشریح اهداف پشت پرده تاسیس دفتر اتحادیه اروپا در ایران می‌پردازد.

خبر ویژه

طراحان حمله به عراق و افغانستان به کلینتون رأی می‌دهند

بسیاری از نومحافظه‌کارانی که جزو جمهوری‌خواهان هستند و جنگ عراق و افغانستان را راه انداختند به هیلاری کلینتون رأی می‌دهند.

وبسایت رادیو فرانسه در گزارشی نوشت: محافظه‌کاران آمریکا به هیلاری کلینتون رأی می‌دهند. ویلیام کریستول از بزرگان نومحافظه‌کاران آمریکا چندی پیش گفت: او و همفکرانش ترامپ را «مرد خطرناک» و «شارلاتان» می‌دانند و با شعار انتخاباتی «ترامپ هرگز» به میدان آمده‌اند. ویلیام کریستول که مدیر نشریه «ویکلی استاندارد» است اعتراف می‌کند که برای اولین بار در عمرش آماده شده است تا به یک کاندیدای حزب دموکرات رأی دهد.

«برت استفان» برنده جایزه «پولیتزر» و نویسنده «وال‌استریت جورنال»- که بزرگترین روزنامه ایالات متحده محسوب می‌شود- بطور مرتب ترامپ را مورد حمله قرار می‌دهد و حتی در مقابل حیرت همگانی علناً خواهان رأی دادن به هیلاری کلینتون شده است. او می‌نویسد پیروزی کاندیدای دموکرات‌ها بهترین امید برای محافظه‌کاران است.

برت استفان می‌نویسد، هر نظری درباره کلینتون داشته باشید مهم نیست؛ کافی است بدانید که او یک لیبرال است، در حالی که رقیبش یک ضد لیبرال است.

به نوشته برت استفان، ترامپ یک «مارین لوپن است که به لب‌هایش ماتیک نزده است». در واقع، نومحافظه‌کاران اعتقاد دارند که تنها آمریکاست که می‌تواند بشریت را از هرج و مرج و آشفتگی‌ها نجات دهد و دموکراسی را در جهان بگستراند. «برت استفان» عقیده دارد که سربرآوردن چین در آسیا و اوضاع آشفته خاورمیانه را با ضعف حضور آمریکا- که توسط اوباما طراحی شده است- باید توضیح داد. به عقیده او سیاست خارجی ترامپ «روایت افراطی» نسخه اوباما خواهد بود.

«برت استفان»، برعکس از مواضع هیلاری کلینتون ابراز خرسندی می‌کند؛ او می‌نویسد در سوریه هیلاری کلینتون نخواهد گذاشت که بشار اسد از خطوط قرمز ما عبور کند. او برای اثبات مدعای خود از سیاست «محکم» هیلاری کلینتون در لیبی یاد می‌کند؛ به نظر او کلینتون همواره جای خود را در کنار «عقاب‌ها» انتخاب کرده است.

شاید به دلیل همین همنشینی با عقاب‌هاست که «پل ولفوویتز»، معاون پنتاگون در زمان جرج بوش و حمله به عراق و افغانستان و از رهبران نومحافظه‌کاران آمریکا، هم از خانم کلینتون دفاع می‌کند و روز سه‌شنبه آینده به او رأی خواهد داد.

آیا واقعاً خانم کلینتون، آنطور که روزنامه «ویکلی استاندارد» در زمان انتخاب او برای وزارت امور خارجه نوشت، یک «ملکه جنگجو»ست؟ آیا نئوکان‌های آمریکا او را «خودی» می‌دانند؟

برخی از کارشناسان می‌گویند هیلاری کلینتون از همان زمان که همچون بانوی اول آمریکا در کاخ سفید بسر می‌برد از سیاست‌های خارجی همسرش بیل کلینتون حمایت می‌کرد و به چشم خود دید که چگونه حمله نظامی آمریکا در «کوزوو» به برچیدن دستگاه صرب‌ها یاری رساند و صلح را در بالکان مستقر کرد. این کاری است که نومحافظه‌کاران آمریکا با آن موافقت کامل دارند.

در ادامه گزارش رادیو فرانسه آمده است: استراتژی دو رقیب انتخاباتی آمریکا برای ایران چیست؟ آنچه در سخنرانی‌های رسمی تاکنون شنیده شده است، نشان می‌دهد که هر دو کاندیدا مواضع تندتری نسبت به اوباما علیه ایران دارند. ماهها پیش خانم کلینتون در یک مصاحبه وقتی از او پرسیدند که با چه کشوری بیش از همه خصومت دارید، بی‌هیچ تأملی از ایران نام برد.

ترامپ نیز بارها واکنش‌های منفی و پرخاشجویانه‌ای درباره ایران از خود نشان داده است. او یکبار گفت که اگر به قدرت برسد بسوی کشتی‌های ایرانی که در اطراف ناوگان آمریکا در خلیج فارس می‌گردند شلیک خواهد کرد. درباره قرارداد برجام نیز بیش از یک بار گفت که آن را باطل اعلام خواهد کرد.

ربط تغییر ۳ وزیر و اقتصاد با چپ پارادایم!

معاون وزیر جهاد کشاورزی مدعی شد تغییر ۳ وزیر در راستای رشد اقتصادی ۸ درصد بوده است.

علی قنبری (از اعضای فراکسیون مشارکت در مجلس ششم) ضمن یادداشتی در روزنامه شرق که پر از کلمات قلنبه و سلنبه است می‌نویسد: پارادایم اقتصاد در کشورهای مختلف می‌تواند متفاوت باشد. پس از تغییر سه وزیر حوزه فرهنگ، ورزش و آموزش تعبیری از تیم اقتصادی مطرح شد، به این ترتیب که مابقی وزرا تیم اقتصادی هستند. این در حالی است که اگرچه تجارت می‌تواند در اقتصاد و بهبود شاخص‌های کلان اقتصاد تاثیر بگذارد، اما پارادایم اقتصاد و پارادایم تجارت و... مسیرهای متفاوت و فضا و شاخص‌های متفاوتی دارند و نمی‌توان اشتغال، کار، تعاون، کشاورزی و... را اقتصادی نامید، اما آموزش را غیراقتصادی دانست. وزارتخانه‌های فرهنگ، ورزش و آموزش نیز از دید نهادگرایان و نئولیبرالیست‌ها اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین عامل رشد اقتصادی به شمار می‌روند.

وی ادامه می‌دهد: این دولت مرزبندی اقتصادی را برداشته و با رویکردی مبتنی بر پارادایم‌های تبیین شده به تفکیک کابینه پرداخته است. به دیگر سخن اگر آموزش را غیراقتصادی بدانیم، به زیرساخت رشد و توسعه اقتصادی، بی‌توجه بوده‌ایم...

نباید بعد کمی و عددی اقتصاد بر ابعاد کیفی و زیرساختی و نهادی آن غالب شود. برای تداوم رشد ۵ درصدی پیش‌بینی شده برای سال جاری، دولت می‌تواند به توسعه پایدار روی بیاورد و لازمه این توسعه، توجه به بسترهای رشد متناسب با ساختار جمعیتی است. برای مثال پراکنش بی‌کاری حاکی از تراکم بالای جوانان در جمعیت بی‌کار است و اقتصادهای نوظهوری مانند چین و هند با ارائه مدل‌های رشد مبتنی بر سرمایه انسانی، با به کارگیری نیروی بی‌کار به بازار کار ارزان دنیا تبدیل شدند و صنایع بزرگی را به کشورهای خود جذب کردند. قنبری می‌افزاید: بنابراین پارادایم اقتصاد با مرزبندی وزارتخانه تبیین نشده بلکه عملکرد بهره‌وری و رشد حوزه همه بخش‌ها و زیربخش‌های اقتصاد در همه وزارتخانه با نسبت‌های متفاوت کمی و کیفی پراکنده شده است و در هم‌تنیدگی بسیار بالایی در همه حوزه‌ها دارد.

معاون وزیر جهاد کشاورزی بعد از این مقدمه مفصل مدعی شد: به بیان دیگر می‌شود گفت تعویض اخیر سه وزیر کابینه دولت یازدهم هم به نوعی با رویکردی اقتصادی و در راستای تحقق رشد اقتصادی هشت درصدی صورت گرفته است. ایجاد الزامات تحقق رشد هشت درصدی متوسط پنج ساله برنامه ششم توسعه ایجاب می‌کند که بخش تجارت مورد توجه و تمرکز بیشتری از طرف دولت قرار گیرد و سایه ابهامات از خصوصی‌سازی برداشته شود تا با حذف فضاهای رانتی ناشی از حضور دولت و ترکیب آن با بخش خصوصی در امر تجارت، شفافیت اقتصادی افزایش یابد و پتانسیل بالای رشد اقتصادی ناشی از گسترش تجارت بین‌الملل که مبتنی بر مزیت‌های اقتصادی است. محقق شود. تحریم اقتصادی یک متغییر مجازی، برای اقتصاد ایران بود که پس از حذف آن با توجه به رویکرد نئوکلاسیکی آثار این تغییر در یک دوره کاملا برطرف شده و به همین دلیل، با اصلاح این شوک، پایه رشد اقتصادی ساختاری در اقتصاد ما برای سال‌های اجرای برنامه ششم پایین خواهد بود. تحقق رشد اقتصادی پیش‌بینی شده برای سال ۹۵ که اولین سال پساتحریم اقتصاد است. از عملکرد بسیار منضبط و علمی تیم اقتصادی کشور خبر می‌دهد اما باید گفت ماه‌های پایانی این سال در تحقق اهداف کمی برنامه ششم توسعه نقش بسیار مهمی دارند چرا که شوک مثبت ناشی از بازگشت درآمدهای نفتی به روند رشد اقتصادی کشور تحقق یافته است و این موضوع به دست آوردن رشد اقتصادی هشت درصدی پیش‌بینی شده در برنامه ششم را سخت می‌کند. دولت می‌تواند پس از تحقق رشد پساتحریمی، برای تثبیت این رشد اقدام به طراحی و تدوین سیاست‌های توسعه‌ای کند.

رسانه‌ها اعتراض نمی‌کردند دولت پیگیر فساد در صندوق فرهنگیان نبود

سخنگوی فراکسیون مبارزه با مفاسد اقتصادی گفت فساد و تخلف در صندوق ذخیره فرهنگیان محرز است.

حسین مقصودی در گفت‌وگو با شبکه اطلاع‌رسانی راه دانا در خصوص اظهارات اخیر رئیس‌جمهور در خصوص فساد صندوق ذخیره فرهنگیان گفت: آنچه که در این مدت از زبان‌های مختلف درباره سوءاستفاده مالی و تخلف صورت گرفته در صندوق ذخیره فرهنگیان بیان شد عنوان اختلاس بود؛ به عنوان مثال آقای صادقی نماینده مجلس از عنوان اختلاس برای تخلف صورت گرفته استفاده کرد.

وی درباره جزئیات تخلف صورت گرفته یکی از اشخاص در صندوق ذخیره فرهنگیان، عنوان کرد: یکی از افرادی که در این تخلف سهم بسزایی داشته است آمده و بدون تسلیم وثیقه و با ارائه سه فقره چک بانکی ۸۰۰ میلیارد تومان وام گرفته است، به چه کسی با ارائه سه فقره چک وام می‌دهند آن هم نه یک یا دو میلیون بلکه ۸۰۰ میلیارد تومان، آن هم هنوز اقساط آن پرداخت نشده است و بدهی به صندوق دارد.

مقصودی با بیان اینکه حدود سه سال از تخلف انجام شده در صندوق ذخیره فرهنگیان می‌گذرد، تصریح کرد: در